



گرامی باد ۲۶ بهمن روز کومه له

بهمن ماه امسال در حالی به استقبال گرامیداشت روز کومه له میرویم که ۳۰ سال از آغاز فعالیت آشکار کومه له بعنوان یک حزب سیاسی می گذرد. کومه له به همراه جامعه ایران و کردستان تحولات و تجارب فراوانی را از سر گذرانده است. نسل جدید فعالان و کوشندگان راه کومه له بدون شک با مسائل و چالشهای امروزی و متفاوتی دست به گریبان هستند. به رسمیت شناختن این تغییرات و تحولات در فضای سیاسی جامعه و بکارگیری خلاقانه ی تجارب و اندوخته های پیشین کومه له در مواجهه با این چالشها شرط لازم موفقیت در مبارزات فراروی کومه له است. برگذاری و گرامیداشت هر ساله ی روز کومه له تأکیدی است براین پیوستگی تاریخ کومه له و تلاشی است در جهت گره زدن فداکاریها و جانفشانیهای دیروز هزاران زن و مرد آزاده و آرمان خواه به فردای امیدهای بزرگ و پرشکوه میلیونها راهرو راه کومه له که به آزادی جامعه ی خود می اندیشند و برای رسیدن به آن تلاش میکنند.

امسال در حالی به استقبال برگزاری روز کومه له میرویم که جهان سال تازه ی میلادی را با وقایع مهم و در نوع خود تاثیر گذاری آغاز کرده است. بحران اقتصادی و مالی شدیدی که از اواسط سال پیش دنیای سرمایه داری و کشورهای صنعتی جهان را درهم پیچیده بود، می رود که به پدیده ای فراگیر و جهانی تبدیل شود. رکود اقتصادی و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن همه جهان را در نوردیده و حتی حاشیه ای ترین کشورهای جهان سوم رانیز بی نصیب نگذاشته است. بحران اقتصادی جاری که براساس آمار و ارقام، اقتصاددانان جهان به لحاظ دامنه و عمق، آن را با بحران اقتصادی سالهای قبل از جنگ جهانی دوم قابل مقایسه میدانند، در خوشبینانه ترین پیش بینی ها سرتاسر سال ۲۰۰۹ ادامه خواهد داشت. ورشستگی بنگاههای مالی و تجاری، افت تولید در بخشهای صنعتی و خدماتی، بسته شدن کارخانه ها و موسسات تولیدی، به تعطیلی کشیده شدن پروژه های عمرانی و آبادانی در کشورهای مختلف به همراه بیکاریهای وسیع میلیونی و به فلاکت کشانیدن اقشار و طبقات فرودست جامعه زمینه تلاطمات و غلیانهای اجتماعی را به مراتب افزایش داده است، دورنمایی که کشورهای صنعتی جهان با نگرانی و وسواس به آن چشم دوخته اند و متفکرینشان در اندیشه چاره جویی و مقابله با آن هستند. شدت و دامنه بحران اقتصادی موجود از یک سو، درماندگی و ناتوانی کشورهای بزرگ صنعتی در یافتن "راه برون رفت از بحران" از دیگر سو، باردگر کل سیستم تولید سرمایه داری را حتی از دید پاره ای از سخنگویان دنیای سرمایه داری زیر سوال برده است.

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، مراسم تحلیف و متعاقبا ورود باراک اوباما رئیس جمهور آفریقایی تبار به کاخ سفید به نحو بی سابقه ای همه ی نگاهها را در سرتاسر جهان برای چند روز به طرف آمریکا معطوف ساخت. پوشش وسیعی که بنگاههای خبری جهان به این رویداد دادند، تغییر ریاست جمهوری آمریکا را بسیار فراتر از یک حادثه ملی که هر چهار سال یکبار در این کشور تکرار میشود تبدیل کرد. حتی درگیری نظامی در نوار غزه با آتش بس یکجانبه و ناگهانی اسرائیل به پایان میرسد تا صحنه های دلخراش جنگ با نمایش ساختمانهای ویران و اجساد قربانیان گلوله بارانها از شکوه مراسم سوگند خوردن اوباما نگاهد. هرچند نفس انتخاب یک شخصیت غیرسفیدپوست برای نخستین بار به ریاست

جمهوری قدرتمندترین کشور جهان خود یک حادثه تاریخی است، اما به نظر نمی رسد این همه تمهیدات در چنین سطح گسترده و وسیعی صرفاً به منظور شادمانی بشریت آگاه از چیره شدن و غالب آمدن نمادین بر یکی از جان سخت ترین خرافه های انسانی، خرافه برتری نژادی، صورت گرفته باشد. اگر این حکم که: "امیدهای بزرگ در عصر هراسهای هولناک پدید می آیند" درست باشد، اقبال جهان به ریاست جمهوری رسیدن باراک اوباما نمی تواند با بحران اقتصادی ترسناکی که جهان سرمایه داری را فرا گرفته است بی ارتباط باشد. شاید همین نکته تمایل و اشتیاق تلویحی و دواطلبانه سران کشورهای اروپایی را در پروراندن این ایده که اوباما می تواند زعامت و رهبری دنیای سرمایه داری را برای گذر از این بحران بعهدہ بگیرد، توضیح دهد.

سردمداران و حاکمان جمهوری اسلامی ایران با این هردو پدیده بشیوه ای شتابزده و در عین حال ابلهانه ای رویرو شده اند. زمان کوتاهی بعد از تبریک گویی احمدی نژاد به اوباما، مقامات ایران ظاهراً مایوس از تغییر جدی در سیاست آمریکا در قبال ایران به خط تبلیغی پیشین خود بازگشتند و این بار با شعار "شیطان سیاه با شیطان سفید تفاوتی ندارد" به استقبال این تغییر رفتند.

در رابطه با بحران اقتصادی جهان، سردمداران نظام اسلامی کل این بحران را پدیده ای "غربی" لقب دادند و آنرا نتیجه بی دینی و الحاد "دارالکفر" دانستند که ربطی به ایران و اسلامشان ندارد. واعظان و امامان جمعه به شکرگذاری پرداختند و باشادمانی احمقانه ای این "نفرین الهی" را که گویا صاعقه وار بردشمنان اسلام فرود آمده است، به خود تبریک گفتند و سرمست از افزایش بی سابقه ی قیمت نفت، هشدارها و اندرزهای اقتصاددانان کشور را به استهزاء گرفتند. پایکوبی ها و دست افشانیهای سران رژیم اما دیری نپایید و با رسیدن نخستین موج بحران اقتصاد جهان خواب خوش آنان برهم خورد. کاهش شدید قیمت نفت در کنار بی کفایتی و فساد عمیق کل سیستم حکومتی ایران اقتصاد نابسامان و از قبل بحران زده ی ایران را بجایی رسانده است که آگاهان اقتصادی از بروز نزدیک "سونامی اقتصادی" در ایران خبر میدهند.

رژیم تهران ناتوان از حل تناقضات درونی خود و هراسان از نارضایتی ها و خیزش احتمالی مردم در یک مسیر پیوسته و بدون انفصال در جهت زدودن و به کنار گذاشتن هر گونه شائبه ی اتکا به پایه ی توده‌ای و مردمی خویش پیش رفته است. رژیم جمهوری اسلامی مدتهاست تنها راه بقاء خود را در سرکوب عریان هر گونه صدای مخالفت آمیز جستجو می کند. اگر جهالت ناشی از توهمات مذهبی اقشار ناآگاه جامعه در مقاطعی از حیات جمهوری اسلامی پایه مشروعیت و عاملی در بقاء رژیم اسلامی قلمداد میشد، اکنون مدتهاست حتی از دید سردمداران رژیم چنین پایگاهی وجود خارجی ندارد.

کمکهای مالی، تسلیحاتی و لوجستیکی جمهوری اسلامی به گروههای مختلف تروریستی در خارج از مرزهای ایران اکنون به یک رکن اصلی سیاست خارجی رژیم تبدیل شده است. رژیم تهران بکارگیری توان تخریبی این گروههای تروریستی را همچون وسیله ای برای چانه زنی و باج ستانی در سطح منطقه ای و جهانی مورد استفاده قرار میدهد. بهمین دلیل رژیم جمهوری اسلامی ایران اکنون از طرف جامعه ی جهانی به درست بعنوان عامل بی ثباتی در منطقه ی پرآشوب خاورمیانه، و حامی و پشتیبان تروریسم و اشاعه دهنده ی بربریت و توحش مذهبی شناخته میشود. نگرانی از دخالتهای پنهان و آشکار ایران در امور داخلی کشورهای خلیج فارس دنیای عرب را در یک جبهه ی واحد علیه ایران متحد کرده است. از سوی دیگر پافشاری تا حد لجاجت سردمداران رژیم بر غنی سازی اورانیوم و دستیابی به انرژی اتمی رژیم تهران را به عاملی در بخطر انداختن صلح جهانی به افکار عمومی جهانیان شناسانده است.

بکار گیری سلاح سرکوب و اختناق اما، بنظر نمیرسد تسلی خاطر برای حاکمان ایران فراهم آورده باشد. اگر چه خسارتهای سیاسی و اجتماعی که از ناحیه ی سرکوب آزادیها متوجه رشد و اعتلای جامعه می شود انکار ناپذیر است، اما این تشبثات جمهوری اسلامی و توسل به حربه ی زور و سرکوب به هیچ وجه باعث فروکش کردن خواستهها و تمایلات آزادیخواهانه ی مردم ایران نشده است. جامعه ی ایران صحنه ی مبارزات همیشگی کارگران، زنان، دانشجویان، و دیگر اقشار و طبقات اجتماعی بوده است و این خود کار حکومتگران را در به انقیاد کشانیدن مردم با دشواری بسیار روبرو کرده است. نشانه های این روحیه ی مبارزه جویانه را در حرکات اعتراضی کارگران نسبت به شرایط کار و معیشت خود، در جنبش اعتراضی یک میلیون امضاء، در حرکت اعتراضی دانشجویان و دیگر نمونه های جنبش مدنی ایران میتوان مشاهده کرد. انعکاس این وضعیت در تشنت و نفاق جناحهای مختلف حاکمیت بر سر چگونگی روبرو شدن با مسائل و مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه پیداست.

کردستان ایران متأثر از اوضاع و احوال عمومی کشور با همان مشکلات و معضلاتی درگیر و روبرو است که بقیه مردم ایران با آنها دست به گریبان هستند. اما فراتر از آن، به دلیل بی ریشگی قدیمی رژیم ایران در کردستان و پتانسیل بسیار بالای مردم کرد در مبارزه با دستگاههای سرکوبگر دولتی همواره فشار مضاعفی بر مردم کرد وجود داشته است. میزان دستگیریهای افراد و فعالان سیاسی و مدنی در کردستان به مراتب بالاتر از دیگر نقاط ایران است. مجازات اعدام و نیز محکومیت های سنگین به خاطر فعالیت سیاسی کماکان ادامه دارد. بستن دفاتر روزنامه ها و نشریات در کردستان، دستگیری و زندانهای طولی المدت برای روزنامه نگاران و فعالین جنبش مدنی در کردستان بطور آشکار نگرش به اصطلاح "امنیتی" رژیم را نسبت به مناطق کردنشین ایران به نمایش میگذارد. سیاست آگاهانه ی تحمیل محرومیتهای اقتصادی و مانع تراشی در راه رشد عادی اقتصادی مناطق کردنشین، اعمال آشکار تبعیضات ملی و مذهبی همه و همه نفرت و انزجار از رژیم جمهوری اسلامی را در کردستان به پدیده ای عمومی و همه گیر تبدیل کرده است.

هوشیاری و آگاهی سیاسی مردم کردستان و نفوذ توده ای احزاب سیاسی کرد و رشد نسبتا بالای حزب در میان اقشار مختلف مردم، به درست مناطق کردنشین را به پیشگام مبارزه علیه جمهوری اسلامی در سطح کشور تبدیل کرده است. این جایگاه ویژه ی کردستان نه تنها از چشم سران رژیم پنهان نیست، بلکه مردم دیگر نقاط ایران نیز چنین جایگاهی را برای کردستان قائل هستند. نقش دانشجویان کرد در دانشگاههای مختلف ایران بعنوان عامل موثر در شکل گیری حرکتهای اعتراضی دانشجویی تا حدودی منعکس کننده ی این موقعیت ویژه ی کردستان در مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران است.

کومه له به عنوان نیروی سیاسی تاثیر گزار در کردستان با توجه به اوضاع و احوال سیاسی ایران و با توجه به نفوذ بالای سیاسی در جامعه میتواند و باید در سمت و سو بخشیدن به حرکتهای سیاسی در ایران و علی الخصوص در کردستان و هدایت و رهبری این حرکتها در جهت کسب آزادی و تامین عدالت اجتماعی و برقراری فدرالیسم، شعار و برنامه ی سیاسی خود را به شعار و برنامه ی سیاسی توده های مردم در کردستان تبدیل نماید. کومه له با اولویت دادن به نکات و موارد زیر اقدامات و فعالیتهای خود را در چندین جبهه ی مختلف با صلابت و اطمینان به پیش می برد:

الف: تلاش در جهت پایان بخشیدن به پراکندگی و تفرقه ی موجود در صفوف نیروهای انسانی کومه له و فراهم آوردن شرایطی که همه ی سرمایه انسانی کومه له منسجم و متحد برای متحقق کردن برنامه ی کومه له یعنی رهبری جنبش آزادی خواهانه و حق

طلبانه ی ملت کرد برای رفع ستم ملی و متحد کردن و متشکل کردن توده های ستمدیده و زحمتکش کرد و هدایت و رهبری مبارزات آنان برای برقراری عدالت اجتماعی و ایجاد جامعه ای انسانی، به مبارزه ی مشترک بپردازند.

ب: تلاش در جهت تحقق بخشیدن به شکل گیری جبهه ی متحد کردستانی و فراهم آوردن شرایطی که همه ی نیروها و شخصیت‌های سیاسی موثر در جنبش کردستان با وحدت عمل، مبارزه ی یکپارچه ایی را علیه جمهوری اسلامی ایران در همه عرصه ها به پیش ببرند.

ج: تلاش در راه نزدیکی و اتحاد عمل با احزاب و نیروهای آزادیخواه و مترقی در عرصه ی سراسری در ایران و فراهم آوردن زمینه ی همکاریهای مبارزاتی علیه رژیم جمهوری اسلامی در میدانهای مختلف مبارزه.

بار دگر ضمن شاد باش و تبریک ۲۶ بهمن (روز کومه له) به اعضا، دوستان و همه کسانی که در اندیشه ی آزادی و آرزوی آینده ای سعادت‌مند و انسانی برای توده های مبارز و ستمدیده ی کردستان هستند، دست یاری و همکاری همه کسانی که تحقق برنامه ی کومه له را جزئی از اهداف سیاسی خود میدانند به گرمی میفشاریم.

حزب کومه له کردستان ایران
۲۶ بهمن ۱۳۸۷ خورشیدی